

نگاهی به اعتصابات کارگران پروژه پیمانی در نفت، دستاوردها، کمبودها

شہلا دانشفر، صفحه ۲



"پسر جهان" در معرض خطر اعدام!

توماج باید فوراً آزاد شود! ، صفحه ۵

خیزش سراسری در دفاع از توماج صالحی

میلاد رابعی، صفحه ۷

تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر و کارگران رسمی در نیشکر هفت تپه

صفحه ۶

گزارش اولیه کمیته حقیقت یاب مهم است

خواست ما بایکوت جهانی جمهوری اسلامی است، مهران زرنگار، صفحه ۸

از مدیای اجتماعی:

حکم اعدام عباس دریس تایید شد، عباس دریس باید فوراً آزاد شود

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۲

زندانیان شاغل، نیروی کار بسیار ارزان و خاموش! صفحه ۱۱

پلتفرم سندیکاهاى کارگری سوئد اولویت فعالیت‌های خود را اعلام کرد: مبارزه با قوانین ارتجاعی در

ایران، صفحه ۱۰

تورم، سرقت از جیب مردم است، صفحه ۱۱

حکم اعدام عباس دریس را محکوم می‌کنیم، صفحه ۱۲

صدای توماج صالحی هستیم، صفحه ۱۰

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران درباره‌ی موج سرکوب‌های اخیر

گور آزادی خواهان، گور آزادی خواهی نخواهد شد! ، صفحه ۹

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شہلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۸۷

۱۸ تیر ۱۴۰۲

۹ ژوئیه ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

معلمان بازنشسته صدای

اعتراض مردم

شہلا دانشفر، صفحه ۴

ادامه اعتراضات کارگران

نیشکر هفت تپه صفحه ۶

تجمعات بازنشستگان

تأمین اجتماعی در چند شهر

صفحه ۵

فرزانه ناظران پور معلم

زندانی با قید پابند آزاد شد

کمپین برای آزادی کارگران

زندانی، صفحه ۱۰

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

نگاهی به اعتصابات کارگران پروژه پیمانی در نفت، دستاوردها، کمبودها

رژیم اسلامی از آغاز در دست گرفتن قدرت با شناسایی دقیق عواملی که میتواند برای شکل گیری و موجودیتش تهدید به حساب بیاید بسیار هدفمند آنها را شناسایی و بر علیه شان برنامه ریزی نموده است. یکی از این نقاط سوق العیشی برای حکومت صنعت نفت این مرکز کلیدی و حساس کشور است.

تغییر ساختار صنعت نفت و سپردن هر بخش آن به پیمانکاری و تجزیه صنعت نفت به شرکت های فراوان پیمانکاری نفتی و بیرون آمدن کارگران از چتر سراسری وزارت نفت یک گام مهم در شکست صف سراسری کارگران نفت بود. بدین ترتیب هر بخش از کارگران با پیمانکاری طرف شدند و اعتراضات سراسری آنها نهایتاً به اعتراضاتی جدا از هم در این بخش یا آن بخش دیگر نفت و در این شرکت یا آن شرکت نفتی معین تبدیل شد. در عین حال استخدام شمار بالایی حراستی در مراکز نفتی و استقرار آنها در این شرکت ها بخشی از طرح پادگانی کردن مراکز نفت بوده است. بویژه بخش بزرگی از کارگران موقت و پیمانی و پروژه ای هستند و این سیال بودن بافت کارگری نیز بصورت مانع در شکل گرفتن حتی نقطه ای ترین شکل های سازمانیابی کارگران در این مراکز عمل کرده است. نفس قراردادهای موقت کاری نیز که بخش بزرگ استخدامها در مراکز نفتی را در بر میگیرد همواره چماق اخراج و بیکاری را بر روی سر کارگر قرار داده و قدرت اعتراض در او را کاهش داده است.

اما در این چند ساله بویژه با سر بلند کردن خیزش های مردمی و انقلاب زن زندگی آزادی بسیاری از این معادلات تغییر کرده اند. از جمله چند سالی است که شاهد تکانهایی در نفت هستیم که امید بخش هستند و اعتصابات سراسری بویژه در میان کارگران پروژه ای پیمانی مکانی پیدا کرده است. ضمن اینکه بخش های دیگر نفت همچون ارکان ثالث و کارگران رسمی شاغل در نفت اعتراضات بسیاری بر سر مسائل معیشتی و کاری خود داشته اند و یک موضوع محوری اعتراضات آنها خواست افزایش دستمزدها بوده است. بدین ترتیب در این چند ساله نفت فضایی پر تلاطمی از اعتراض را طی کرده است. اما فوکوس بحث من در اینجا بر روی کارگران پروژه ای پیمانی نفت است چون گسترده ترین اعتراضات را داشته اند و مبارزات آنها درسهای خوبی برای خود این کارگران و کل جنبش کارگری دارد.

اولین نکته اینست که اعتراضات در میان کارگران پروژه ای پیمانی نفت کار گسترده است و هنوز بخشی از کارگران اعتصابی اردیبهشت ماه به سر کار باز نگشسته اند. اما تا تبدیل فضای تلاطم اعتراضی در میان این کارگران و بطریق اولی در کل مراکز نفتی فاصله ای هست که باید با پاسخ گویی به موانع این فاصله را کوتاه کرد.

برای مثال به اعتصابات دو سه سال اخیر کارگران پروژه ای پیمانی نفت نگاه کنیم. هر بار کارگران در صفی بزرگ و چند ده هزاره از محیط های کار بیرون می آیند و صحنه شورانگیز و قدرتمندی از اعتصاب را به نمایش میگذارند. هزاران کارگری که به واسطه نقش، حضور و تخصصشان، دست در گلوب تولید و سرمایه دارند. اما بعد شاهد این هستیم که در برابر یکسری تهدیدات امنیتی و معیشتی و در کنارش عقب نشینی هایی از سوی پیمانکاران مفتخور و چپاولگر بخشی از کارگران به کار بازگشته اند و باقی کارگران نیز به ناگزیر مجبور شده اند موقتا قدمی به عقب بگذارند و در تدارک دور دیگری از اعتراضاتشان باشند. اما نباید ندید گرفت که همین اعتراضات تا هم اکنون دستاوردهایی داشته است که با اتکا به آنها میتوان گامهای بعدی را به جلو برداشت و به نقطه ای رسید که کارگر نفت با قدرت سراسری به میدان بیاید و ضربه ای کاری بر کمر اقتصاد حکومت بزند. این پیشروها و گامهای پیش رو کدامند؟

دستاوردها:

۱- اعتصابات تا کنونی کارگران پروژه ای پیمانی در نفت، قدرت نیروی اعتصاب و اتحاد کارگران را بیش از پیش برای خود و برای کل جامعه به نمایش گذشته است. بدنبال این اعتراضات امروز این کارگران در موقعیت بسیار قویتری نسبت به قبل قرار دارند. برای اینکه بتوانند مطالبات خود را پیگیری کنند.

۲- در اعتصابات تا کنونی کارگران پروژه



شهلا دانشفر

ای پیمانی نفت شاهد این بودیم که کارگران از ساختار تجزیه شده خود در شرکتهای کوچک و مجزا عبور کرده و در سطح یک مجتمع و سایت های مختلف، اما از شرکت های مختلف در توافقی سراسری و بصورت جمعیتی بزرگ دست به اعتصاب زدند و خوابگاهها را تخلیه کردند. دیدن صحنه های این اعتراضات بسیار شورانگیز است. صحنه هایی که پیمانکاران و کارفرمایان مفتخور و مافیای نفت و کل حکومت را به وحشت انداخت و تبلور آن را در گزارشات درونی حکومت و سند محرمانه رو شده اخیر اطلاعات در مورد اعتصابات اردیبهشت ماه امسال به روشنی می بینیم. در اعتصابات اردیبهشت امسال به گفته کارگران در جاهایی پیمانکاران تا افزایش چهل درصدی حقوقها عقب نشستند. و امروز کارگران میگویند اگر محکم تر می ایستادیم میتوانستیم ۷۹ درصد افزایش را هم تحمیل کنیم. همین گفته نشانگر اینست که کارگر به قدرت اعتصاب خود بیشتر واقف شده و این یک پیشروی مهم در این اعتصابات و اعتراضات چند سال اخیر کارگری در نفت است.

۳- در اعتصابات دو سه سال اخیر همچنین کارگران نفت با خواستههای اعتراضی شفاف و متعین تری جلو آمدند و این خود مسیر حرکت بسوی سراسری شدن را فراهم تر کرد. یک خواست این کارگران در اعتراضاتشان خواست افزایش دستمزدها بوده است. این کارگران در اعتراضات دو سه ساله خود بر افزایش دوبرابری حقوقها در رده های مختلف شغلی و بعضاً بیشتر تاکید کردند. از جمله خواست آنها امسال افزایش هفتاد و نه درصد مزد بود. این کارگران در اعتراضات قبلی خود حتی بر روی دستمزد کارگران ساده نیز سقفی تعیین کردند که نباید از آن کمتر باشد. و اعتصابات آنها عملاً جنبش برای خواست افزایش دستمزد در سطح جامعه را تقویت کرد. خواست دیگر این کارگران بیست روز کار و ده روز استراحت بود و در جاهایی توانستند این مطالبه را بر پیمانکاران تحمیل کنند. بالا بردن استاندارد وضع کمپ ها، غذا، ایمنی محیط کار و درمان در حد قابل قبول و برخورداری از بیمه درمان رایگان از دیگر مطالبات طرح شده این کارگران بوده است. بعلاوه اینکه پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار، حق تشکل و تجمع و اعتراض، برچیده شدن بساط پیمانکاران مفتخور و دائمی شدن قرار دادها همواره مورد تاکید کارگران نفت در مبارزاتشان بوده و این را در بیانیه ها و قطعنامه هایشان مشاهده میکنیم.

۴- یک دستاورد مهم دیگر کارگران نفت اینست که با قدرت اعتصابات سراسری خود توانسته اند به درجه زیادی فضای امنیتی ایکه در محیط های کار در مراکز نفتی حاکم بوده را کاهش دهند. کارگر امروز حس میکند که آن زنجیرهای بردگی دارد پاره میشود و بی محابا تر جلو می آید و مطالبه گر تر است.

۵- اعتصابات تا کنونی کارگران پروژه ای پیمانی نفت و عقب نشینی های گام به گام پیمانکاران، تا همین الان بدرجه زیادی این دلالات چپاولگر سرمایه داری را در موقعیت ضعیف تری قرار داده و به مبارزه برای کوتاه شدن دست آنان در محیط های کار که خواست سراسری ای برای بخش عظیمی از کارگران در سراسر ایران است، قدرت بیشتری



مجموع عمومی و انتخاب نمایندگان خود برای بستن قراردادهای جمعی حول خواسته‌های اعلام شده کارگران به عنوان گام‌هایی عملی در این راستا تاکید کرد. البته در سال ۱۴۰۰ قدم‌هایی در این جهت برداشته شد. از جمله مجمع عمومی کارگران اعتصابی نفت در هفشجان با بیش از ۴۰۰ کارگر تشکیل شد و در آن کارگران از مشکلات و خواسته‌هایشان گفتند. نماینده انتخاب کردند و تلاش کردند از طریق نمایندگان خود وارد مذاکره با پیمانکاران شوند. در جاهای دیگری چون ایذه و لرستان و... نیز تلاشی در این جهت شد. اما چون این کار شکل سراسری نگرفت، با عقب نشینی‌هایی پیمانکاران در اینجا و آنجا، کارگران فردی تصمیم گرفته و سر کار بازگشتند. نفس عقب نشینی‌های پیمانکاران همانطور که اشاره شد یک موفقیت برای کارگران بود. اما قطع اعتصاب در وسط کار مانع پیشروی‌های بیشتر شد. و وقتی آنها از آسیاب افتاد حتی در جاهایی پیمانکاران زیر بار همان وعده‌های داده شده خود هم نرفتند و ما شاهد اعتراضاتی در اینجا و آنجا علیه این خلف وعده‌ها بودیم. از سوی دیگر جریانات معلوم الحال تحت عنوان "کمپین" علاوه بر تلاش برای فرستادن کارگران اعتصابی به خانه و جلوگیری از برپایی هرگونه تجمع، در همان سال ۱۴۰۰ اقدام دیگرشان نماینده تراشی از بالای سرکارگران و ارسال نامه به مجلس و خامنه‌ای و از این طریق مهار اعتراضات کارگران بود. در آخر هم وقتی دیدند با گسترش وسیع اعتصابات و روی آوردن کارگران به تجمعات و برپایی مجمع عمومی باعث شده است که کنترل اوضاع از دستشان خارج شود سوت پایان اعتصاب را کشیدند و با هیاهو بر سر یک مشت وعده و وعید اعتصاب را پایان یافته اعلام کردند. سپس در حالیکه هر روز کارگران بیشتری به اعتصاب می‌پیوستند با طرح پیگیری مطالبه‌گری در چهارچوب قوانین اسلامی جلو آمده و یک نفر را هم به اسم مازیار گیلانی نژاد جلو آوردند و گفتند که این نماینده کارگران است و برای اینکه به مذاکره بنشیند پنج هزار رای می‌خواهد. در مقابل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی ایستاد و اعلام کرد که اجازه ندهیم از بالای سر ما نماینده تراشی شود. و اعلام داشت که برای بازگشت به کار نه بر اساس وعده‌های سر و ته بریده خواسته‌هایشان بلکه براساس بالاترین رقم توافقی‌ای که در مدت اعتصابشان از سوی کارگران با پیمانکاران صورت گرفته است، حاضر به بازگشت به کار هستند. و همانجا بر تصمیم‌گیری جمعی و انتخاب نمایندگان منتخب خود کارگران در مجمع عمومی شان در هر شرکت و رفتن بسوی قراردادهای دسته جمعی تاکید کرد. در اعتصابات اردیبهشت امسال نیز ما بنوعی همین تجربه را شاهدیم. اعتصاب کارگران پر شور آغاز شد. اما ترک محل کار و بازگشت آنها به شهرهایشان عملاً باعث شد که باز هم کارگران به آحاد تجزیه شوند. در این دور هم کارگران به اذعان خود دستاوردهایی داشتند. عقب نشینی‌هایی به پیمانکاران تحمیل کردند. و اعتصاب قدرتمند آنها ولوله‌ای در درون خود حکومت ایجاد کرد که نامه محرمانه افشا شده وزارت نفت در مورد این اعتصاب بخوبی قدرت و ابعاد این اعتراضات را نشان داد. ولی باز در خلاء ادامه سازمانیافته اعتصاب و اتکای آن به مجمع عمومی و در خلاء برپایی تجمعاتی اعتراضی در محیط‌های کار بعنوان جزء مکمل اعتصاب، عملاً نیروها به تدریج با

نگاهی به اعتصابات کارگران ...

از صفحه ۲

داده است. از جمله بنا بر گزارشات حکومتی در جریان این اعتصابات خسارات بسیاری به صاحبان کار و دولت و سرمایه داران مافیایی و مفتخور وارد شد. حتی در جاهایی که تلاش کردند نیروی کار جدید به جای کارگران اعتصابی استخدام کنند، موفق نشدند و آنجایی هم که نیروی جدید گرفتند بدلیل نداشتن تخصص کافی، تولید بشدت کاهش یافت و حتی به دستگاهها آسیب جدی رسید.

از سوی دیگر نزاع بین قرارگاه خاتم که تلاش دارد کار در نفت را به قبضه خود در آورد با پیمانکاران مفتخور که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی در مراکز نفت لانه داشته و چپاولها کرده اند، موجب تضعیف پیمانکاران و نیز اختلالهایی در ساختار نفت شده است که به کارگران فرصت میدهد در موقعیت قویتری وارد نبرد شوند. از جمله شورای سازماندهی کارگران نفت اعلام داشت دعوی این دو باند مافیایی به ما کارگران ربطی ندارد. اما تضعیف آنها به ما فرصت میدهد که با قدرت بیشتری مطالبه‌گری خود را جلو ببریم.

۶- به لحاظ سازمانیابی سربلند کردن تشکلهایی چون شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث)، دستاوردهای مهم اعتصابات در نفت بوده است و این نهادها بدرجه زیادی صدای اعتراض کارگران را در سطح جامعه و جهانی بازتاب داده است.

۷- یک نقطه درخشان در اعتراضات کارگران پروژه ای نفت در همان آغاز انقلاب زن زندگی آزادی تجمع اعتراضی این کارگران در پتروپالایش هنگام، دماوند و کاپویان در عسلویه و در کنگان در هجدهم و نوزدهم مهر ماه ۱۴۰۱ است. در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای به اعتراضات مردمی در کف خیابان پیوستند و اعلام پشتیبانی کردند. این فریاد جنبش کارگری در همبستگی با انقلاب بود که چنین زیبا و رسا از نفت سر داده شد. این اتفاق در جایی همچون نفت که یک پادگان تمام عیار امنیتی است، اتفاقی نوین است. این حرکت اعتراضی در عین حال نشانگر این حقیقت است که اعتراضات در نفت از مبارزات دیگر بخش‌های جامعه جدا نیست و از هم تاثیر می‌گیرد.

با توجه به همه این دستاوردها توازن قوا بین کارگران و پیمانکاران و کارفرمایان در نفت عوض شده است و دیگر اوضاع نمیتواند به وضع قبلی برگردد و امروز در دل جامعه متلاطم بستر مناسرتی برای حرکت بسوی اعتصابات سراسری در نفت را فراهم کرده است.

کمبودها و گام‌های بعدی

یک کمبود مهم در اعتراضات کارگران پروژه ای پیمانی نفت برپایی تجمعات کارگری و عدم اتکای آن به تصمیم‌گیری جمعی با اتکاء به مجمع عمومی کارگری است. به این معنا که در این اعتراضات کارگران با قدرت و با عزم و اراده جمعی وارد اعتصاب میشدند. اما بعد با ترک کارگاهها و بازگشت به شهرهایشان تبدیل به آحاد شده و خبری از تصمیم‌گیری جمعی برای چگونگی ادامه اعتصاب نبود. بویژه جریاناتی تحت عنوان "کمپین" در اعتصابات سال 1400 و نیز در اردیبهشت امسال همه تاکیدشان بر اعتصاب و ترک فوری کارگاهها و حذر کردن از برگزاری هرگونه تجمعی بود. در مقابل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت که یک دستاورد مبارزاتی آنهاست بر اعتصاب و تجمع به عنوان دو رکن مهم پیشبرد قدرتمند متحدانه اعتراضات تاکید داشت. این شورا بطور مشخص بر برپایی مجمع عمومی به عنوان محلی برای تصمیم‌گیری جمعی و دخالت حداکثری توده کارگر در روند مبارزه و چگونگی ادامه اعتراضات تاکید داشت. این شورا در بیانیه‌هایش نوشت که همانطور که شروع اعتصاب جمعی است. پایان آن نیز باید با تصمیم جمعی صورت گیرد. از همین رو بر تجمعات اعتراضی، تصمیم‌گیری جمعی متحدانه در



شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" بر آزادی فوری همکاران دربندشان تاکید کردند. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگریهای حکومت از جمله توقف اعدامها و آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان زندانی، کارگران دربند، بازداشت شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی از جمله خواستهای اعتراضی بازنشستگان در اعتراضاتشان بوده است. بازنشستگان در جلو آوردن خواستهای سراسری همچون افزایش حقوقها به بالای خط فقر، از بین رفتن تبعیض طبقاتی، درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن نقش برجسته ای در سطح جامعه داشته اند. نهادهای بازنشستگان و نیز شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از جمله امضا کنندگان منشور خواستهای حداقلی بیست تشکل با خواست پایان دادن به سدسال استعمار و بردگی در سطح جامعه هستند. از مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد. اتحاد مبارزاتی بخشهای مختلف طبقه کارگر و همبستگی کارگران شاغل و بازنشسته یک حلقه مهم برای رفتن بسوی اعتراضات سراسری در سطح جامعه است.

مندرج در نشریه انترناسیونال شماره ۱۰۳۱

معلمان بازنشسته صدای اعتراض مردم - شهلا دانشفر

روز ۱۳ تیر معلمان بازنشسته همچون سه شنبه های گذشته در اعتراض به فقر و بی تأمینی و برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر مقابل صندوق بازنشستگی تجمع داشتند. ضمن اینکه بازنشستگان تأمین اجتماعی و مخابرات روزهای یکشنبه و دوشنبه هر هفته تجمع دارند. بدین ترتیب بازنشستگان با اعتراضاتشان خیابانهای شهرها را به صحنه اعتراضات پرشور خود تبدیل کرده و در جاهایی با راهپیمایی در خیابانها و فریاد "فقط کف خیابون بدست میاد حقومون" تحرکی در سطح شهرها ایجاد کرده اند. بدینگونه بازنشسته به یک فاکتور مهم در شاداب نگه داشتن فضای اعتراض در جامعه علیه فقر، فساد و نابرابریها تأمین تبدیل شده اند.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیون یک خواست سراسری بازنشستگان است. در همین راستا مصوبه مزدی شورایی عالی کار و برنامه توسعه هفتم که تعرضی آشکار و گسترده به کارگران، بازنشستگان و دیگر بخشهای جامعه است، موضوعات اعتراضات آنهاست. موضوعاتی که محور اعتراضاتی اجتماعی هستند. اعتراضات بازنشستگان در شرایطی که مردم در طول انقلاب زن زندگی آزادی با شعار "فقر، فساد گرونی، میریم تا سرنگونی" عزم خود را برای پایان دادن به جهنم جمهوری اسلامی اعلام داشتند، مکان سیاسی مهمی دارد.

بازنشستگان کشوری در تجمعات روز گذشته خود با شعار "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند. تاکید دیگر بازنشستگان بر تحصیل رایگان برای همه کودکان است و این خواست عمومی حلقه پیوند مبارزات معلمان شاغل و بازنشسته با کل جامعه است. معلمان بازنشسته در تجمعاتشان با

نگاهی به اعتصابات کارگران ...

از صفحه ۳



و سنگ اندازی های جریانات سازشکار و معلوم الحالی چون "کمپین" را گرفت و میشود با نیروهای سرکوب مقابله کرد و متحد ماند. با این قدرت میتوان چپاولگرانه پیمانکاران را از محیط های کار جمع کرد. این چنین است که میتوان اعتراضات خود را با قدرت و سراسری به پیش برد. اعتصابات سراسری کارگری، بویژه در مرکز کلیدی ای چون نفت، در دل جامعه ای که با فریاد زن زندگی آزادی میروند تا کل بساط توحش و بردگی سرمایه داری حاکم را جارو کند، یک گام مهم در پیشروی انقلاب و برای پایان دادن به جهنم جمهوری اسلامی است. باید به تدارک همه جانبه آن رفت.

اندکی بهبود در سطح دستمزدهایشان سر کار بازگشتند و عده ای هم هنوز به کار بازنگشته اند و شواهد حاکی از در راه بودن اعتراضات گسترده کارگران است.

نگاهی بر این تجربیات مکان شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت را در حفظ اتحاد و سازماندهی مبارزات کارگران در نفت به روشنی نشان میدهد. باید وسیعاً به این نهاد کارگری برآمده از اعتراضات کارگری پیوست و این شوراها را در تمام بخش های صنعت کلیدی نفت ایجاد کرد.

دومین تاکید همانطور که جلوتر بحث شد بر اعتصاب و تجمع به عنوان دو جزء مکمل اعتراض است. همانطور که اشاره کردم شواهد حاکی از در پیش بودن اعتراضاتی گسترده در نفت است. در دور بعدی همراه با اعتصاب و ترک دسته جمعی محیط های کار و پیوستن شرکت های مختلف نفتی در سطح سراسری به اعتصاب باید تجمعات اعتراضی خود را منظم بر پا داشت. باید تلاش کرد که تجمعات اعتراضی به مجمع عمومی ای برای تصمیم گیری جمعی بر سر خواستها و مطالبات و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران در هر شرکت تبدیل تبدیل شود. انتخاب نمایندگان واقعی کارگری در مجامع عمومی و معرفی آنها از سوی کارگران بعنوان طرف مذاکره با کارفرمایان در حالیکه کارگران متحد و همبسته تجمعاتشان برقرار است، میتواند سنگ بنای تحمیل قراردادهای دسته جمعی در نفت را بگذارد. بعلاوه اینکه با قدرت جمع بودن و جمعی تصمیم گیری کردن میشود جلوی تفرقه افکنی ها

پیش بسوی اعتصابات سراسری!



پسر جهان "در معرض خطر اعدام!" توماج باید فوراً آزاد شود!

دادگاه دوم توماج صالحی خواننده رپ مخالف جمهوری اسلامی، خواننده محبوب مردم، که روز یکشنبه ۱۱ تیرماه در اصفهان به ریاست جلادی به نام براتی برگزار شد، او را به افساد فی الارض متهم کرده است. اتهامی که خطر مجازات اعدام دارد.

امیر رئیسیان وکیل توماج گفته است تصمیم دادگاه بر اساس قوانین حکومت در عرض یک هفته به وکلای او ابلاغ خواهد شد. توماج متهم شده است که به نشر اکاذیب پرداخته و با رسانه‌های خارجی مصاحبه کرده و این مصداق همکاری با دولت متخاصم است. او همچنین متهم است که با دعوت مردم به بیان خواسته‌ها و مطالبات خودشان، مرتکب دعوت به آشوب و اغتشاش شده و بعلاوه علیه نظام تبلیغ کرده و به خمینی و خامنه‌ای توهین کرده است.

توماج در شعرهایش به فساد در نظام و زندان و شکنجه و اعدام و فقر و محرومیت مردم پرداخته و به همین دلیل به خواننده‌ای محبوب در میان مردم تبدیل شده است. اتهامات وارده به او نیز به هر درجه واقعیت داشته باشد، به همان درجه موجب محبوبیت توماج و احترام جامعه و مردم به ستوه آمده از او شده است. یک جامعه علیه حکومت فاسد اسلامی و علیه خامنه‌ای و خمینی شعار میدهند و عکس سران حکومت را به آتش میکشند. جرم توماج همان جرمی است که یک جامعه پیاخته در آن شریک است.

نه فقط مردم ایران و همه ایرانیان ساکن خارج از کشور بشدت نگران وضع این فرزند محبوب آزاده و هنرمند و دلیر خود هستند، بلکه موجی از نگرانی در جهان براه افتاده است. سه نماینده پارلمان اتریش، ایتالیا و آلمان که کفالت سیاسی او را بر عهده گرفته بودند با انتشار ویدئویی ابراز نگرانی کرده‌اند. هفته گذشته انجمن قلم آمریکا محاکمه توماج صالحی در پشت درهای بسته و بصورت غیر شفاف را محکوم

کرد و خواستار تبرئه و آزادی فوری وی شد. امروز دوشنبه ۱۲ تیر توماج صالحی طی مراسمی بعنوان شهروند افتخاری شهر فلورانس پذیرفته شد و شبنم خسروی دختر خاله توماج هنگام دریافت این عنوان گفت که "توماج نه فقط پسر ایران که جهان است و هنر هیچ مرزی ندارد". اقبال اقبالی، دایی توماج صالحی نیز طی بیانیه‌ای که امروز منتشر کرد از مردم داخل و خارج ایران و همه مدافعان آزادی خواست که به کارزار آزادی توماج بپیوندند.

حزب کمونیست کارگری چون همیشه همراه مردم ایران و همه مدافعان آزادی و انسانیت در سراسر جهان با تمام قوا در کارزار آزادی فوری و بی قید و شرط توماج صالحی شرکت میکند و تمام اعضا و دوستان خود و همه کوشندگان راه آزادی در ایران و جهان را فرا می‌خواند که حتی یک لحظه را هم در تلاش برای آزادی فوری توماج عزیز از دست ندهند!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیرماه ۱۴۰۲، ۳ جولای ۲۰۲۳



تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر

ساعت ده صبح امروز امروز ۱۸ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه‌های اعتراض خود در چندین شهر مقابل ساختمان تامین اجتماعی تجمع کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای کرمانشاه، شوش، هفت تپه و اهواز در اعتراض به وضع وخیم معیشتی و اختلاسها و دزدی‌ها از صندوق بازنشستگی صندوق تامین اجتماعی برگزار شد. همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان، پایان دادن به دزدی‌ها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگی از جمله خواسته‌های اعلام شده این بازنشستگان است. در این تجمعات بنرهایی با عنوان

درمان رایگان حق مسلم ماست و اعتراض به حقوقهای چندین بار زیر خط فقر توجه‌ها را بخود جلب میکرد. مصوبه مزدی شورای عالی کار و برنامه توسعه هفتم از دیگر موضوع اعتراضات این بازنشستگان است. بازنشستگان در این تجمعات شعار میدادند: "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "خواسته ما این زمان معیشت است و درمان"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه"، "اعتراض، اتحاد، علیه فقر و فساد"، "بازنشسته به پا خیز علیه فقر و تبعیض"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، و "حسین حسین شاعرشون، دروغ و دزدی کارشون". در شوش و

اهواز بازنشستگان در سطح شهر با شعار دادن دست به راهپیمایی زدند.
۱۸ تیر ۱۴۰۲، ۹ ژوئیه ۲۰۲۳



تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر و کارگران رسمی در نیشکر هفت تپه

امروز ۱۳ تیر بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته همچون سه شنبه های قبل در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواستههایشان دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در شهرهایی چون سندرچ، قزوین، یزد، کرمانشاه، اردبیل و ممسنی در مقابل صندوق بازنشستگی این شهرها برگزار شد.

در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "همسان سازی کامل، حق مسلم ماست"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "آموزش رایگان، حق فرزند ایران"، "می میریم می میریم، ذلت نمی پذیریم". همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر که امروز رقم آن بالای سی میلیون است، درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها، از جمله خواستههای اعلام شده معلمان بازنشسته در تجمعاتشان است و در تجمعات اعتراضی این روز آنها نیز بازتاب یافت. خواستههای این بازنشستگان خواستههای همه مردم است و باید وسیعاً مورد حمایت قرار گیرد.

خبر دیگر اینکه در این روز کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه برای چندمین بار در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل با خواست بازنگری مجدد آن و افزایش حقوقهایشان مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. کارگران معترض به داخل دفتر مدیریت امور اداری رفته و اعلام کردند که چنانچه تا پایان هفته جاری اقدامی صورت نگیرد، روز شنبه تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان برپا خواهند نمود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ تیر ۱۴۰۲، ۴ ژوئیه ۲۰۲۳

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه همچنان ادامه دارد. امروز ۱۴ تیر این کارگران در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و اختلافات فاحش حقوق بین شرکتهای هفت طرح و هفت تپه به تجمعات و اعتراضات خود ادامه دادند.

روز گذشته این کارگران اولتیماتوم دادند که چنانچه تا پایان هفته جاری اقدامی صورت نگیرد، روز شنبه تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان برپا خواهند نمود.

کارفرمایان دولتی و خصوصی به بهانه های مختلف از حقوق زیر خط فقر کارگران دزدی میکنند و زندگی مشقت باری را به کارگران تحمیل کرده اند. اعتراضات کارگران و بازنشستگان و بخشهای دیگر طبقه کارگر هر روز در اشکال مختلف و در مناطق مختلف جریان دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ تیر ۱۴۰۲، ۵ ژوئیه ۲۰۲۳



تأیید حکم پنج سال زندان داود رضوی، در دادگاه تجدیدنظر



بنا بر گزارش منتشر شده از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، رای دادگاه بدوی علیه داود رضوی، عضو بازنشسته این سندیکا در دادگاه تجدیدنظر تأیید شده است. وکیل مدافع رضوی در تماس با خانواده او اعلام کرد سه شنبه ۶ تیرماه لایحه اعتراض نسبت به حکم زندان بدوی داود رضوی را به دادگاه تجدیدنظر داده و

منتظر بوده تا شعبه تجدیدنظر مشخص شود، اما در تاریخ ۱۱ تیرماه ابلاغیه ای ارسال و در آن نوشته شده بود که پرونده به شعبه ۳۶ برای بررسی و رسیدگی فرستاده شده و حکم ۵ سال حبس علیه داود رضوی عیناً در دادگاه تجدیدنظر تأیید شده است. داود رضوی فقط به خاطر دفاع از حقوق برحق کارگران بازداشت و زندانی شده. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و پرونده امنیتی تشکیل شده برای وی مسدود گردد. کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

هجدهم تیر ۲۰۲۱



خیزش سراسری در دفاع از توماج صالحی میلاد رابعی

امروز دیگر کسی نیست که نام توماج را، توماج صالحی را نشنیده باشد و با او آشنایی نداشته باشد. چه دشمنان کم شمارش و چه دوست داران بی شمارش همگی او را به عنوان یکی از جسورترین جوانان معترض نسل خویش می شناسند.

نکاتی هست که شخصیت توماج را برجسته و متمایز می کند. یکی این که توماج به عنوان خواننده رپ، برخلاف اکثر هنرمندان و نویسندگان و خوانندگان، مبارزه را تنها در اعتراض در قالب شعرها و آهنگ‌هایش خلاصه نکرد و به این وسیله مانند بسیاری دیگر نوعی "معافیت از مبارزه سیاسی" برای خود قائل نشد. (عضلی که میان روشنفکران ایرانی وجود دارد و بحثی جداگانه را می طلبد). وی علاوه بر این که نهایت استفاده را از هنر خود برای بیان اعتقاداتش به عمل آورد، مانند هر انسان معترض دیگری در جامعه برای بیان اعتراضش قدم در راه مبارزه سیاسی گذاشت. نکته دیگری که وی را به شخصیتی ملموس و حقیقی تبدیل کرد، سخنانی بود که پیش از دستگیری و در فضای مجازی خطاب به مردم بیان می داشت. او در این کلیپ‌ها که هنوز هم وایرال هستند، صمیمانه با مردم سخن می گفت و حکومت اسلامی را مخاطب قرار می داد و آن‌ها را سکه یک پول می کرد. او حتی برای زمان پس دستگیری احتمالی به مردم راه چاره را نشان می داد.

توضیحات بالا بخشی از دلایلی است که باعث شده توماج چنین مورد حمایت تمام اقشار مردم قرار بگیرد و برای لغو اعدامش شاهد کمپین‌های مختلف و تلاش‌های پیگیری باشیم که در نوع خود کم سابقه است و حکومت اسلامی را دچار وحشت کرده است. توماج سمبل مبارزان هم نسل خود است. جامعه در وجود وی تمام جوانانی را می بیند که انقلاب جاری را خلق کردند، بخشی برای آن جانشان را از دست دادند، بخش عظیمی هم چنان مشغول مبارزه هستند و تعدادی نیز مانند توماج اسیر زندان و شکنجه و اعدام.

جامعه برای دفاع از جان توماج وسیعاً به پا خاسته و به چیزی کم‌تر از آزادی فوری و بدون قید و شرط وی رضایت نمی دهد. مردم بهتر از هر قاضی و محکمه‌ای می دانند که توماج مطلقاً بی گناه است و تنها "جرم" این است که صدای رسای همین مردم بوده است.

اقدامات فراوانی که برای آزادی توماج صورت گرفته قابل شمارش نیست، جامعه وارد فاز دیگری از جنب و جوش حول این موضوع شده است. در خارج از کشور روز ۱۶ تیر، ۷ ژوئیه برای روز اعتراض به اعدام توماج فراخوان‌های وسیعی در سراسر

جهان اعلام و در شهرهای مختلف تجمعاتی برپا شد. در داخل مردم وسیعاً اعلام کرده‌اند که جان توماج خط قرمز ما است. شعارنویسی و دیوارنویسی در حمایت از توماج و پخش عکس‌های وی در خیابان‌ها، اعلام همبستگی معلمان و سایر اقشار مردم همه و همه تنها بخشی از این تکاپوی عظیم است. در این میان شهر اصفهان و فعالیت‌ها در آن شهر با قدرت‌تر از همه جا ادامه دارد. فعالیت‌های فضای مجازی هم بخش دیگری از این کمپین وسیع و جهانی است. شکل‌گیری توفان توییتری و چندمیلیونی شدن هشتگ توماج صاحی گوشه‌ای از تحرکات وسیع در اینترنت است.

در میانه این جنب و جوش و خروش جامعه، خبرگزاری معلوم الحال تسنیم در خبری از تبدیل حکم اعدام به حبس ابد می نویسد. این ترفند همیشگی حکومت است که برای آرام کردن فضا و سنجش تناسب قوا دست به چنین مانورهای کثیفی می زند. مستقل از صحت و سقم این خبر مردم جواب تسنیم را داده‌اند. آن‌ها خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط قهرمان خود هستند. حبس ابد برای جامعه محلی از اعراب ندارد.

با ادامه هرچه بیشتر اعتراضات و کمپین‌ها در داخل و خارج از کشور باید به حکومت اسلامی فهماند که نمی‌تواند به راحتی دست به چنین جنایتی بزند. باید بفهمند که چنین اقدامی چه هزینه‌هایی برایشان خواهد داشت. باید خرفه‌شان کرد که به راستی توماج قهرمان ما مردم و خط قرمز ما است. با هر اقدام دیگری جز آزادی فوری توماج، مردم دودمان حکومت اسلامی را به باد خواهند داد.

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

گزارش اولیه کمیته حقیقت یاب مهم است

خواست ما بایکوت جهانی جمهوری اسلامی است

مهران زرنگار

روز ۱۴ تیرماه کمیته حقیقت یاب بین‌المللی درباره سرکوب اعتراضات مردمی در ایران گزارش اولیه خود را به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه داد. این گزارش، نقض گسترده حقوق بشر، به خصوص حقوق زنان و کودکان در ایران را به شدت محکوم کرده است. کمیته حقیقت یاب بین‌المللی زیر فشار انقلاب زن زندگی آزادی در سوم آذر ۱۴۰۱ جهت بررسی و تحقیق گزارشات مربوط به سرکوب‌گریهای جنایتبار حکومت اسلامی در ارتباط با انقلاب زن زندگی آزادی که با قتل مهسا امینی در ۲۵ شهریور فوران پیدا کرد، تشکیل شد.

کمیته حقیقت یاب در گزارش اولیه امروز خود بر پایان دادن سرکوب‌گریهای حکومت اسلامی تأکید کرده و اعلام میدارد که ایران باید به سرکوب ادامه‌دار معترضان و موج اعدام‌ها و دستگیری‌ها و بازداشت‌های گسترده پایان دهد. این کشور باید حقوق تمام مردم در ایران، به ویژه حقوق زنان و دختران را محترم شمرده و این حقوق را تضمین و تأمین کند.

کمیته حقیقت یاب در گزارش خود همچنین ابراز نگرانی کرد که با عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی به نگرانی‌های مطرح شده و تصویب لوایح سرکوب‌گرانه جدید و تعیین مجازات‌های شدیدتری برای زنان و دخترانی که زیر بار حجاب اجباری نمی‌روند، وضعیت کلی حقوق بشر در کشور در خطر انحطاط بیشتری قرار میگیرد.

در این گزارش سارا حسین، رئیس کمیته حقیقت یاب میگوید: "پس از گذشت ده ماه، حق خانواده ژینا مهسا امینی بر دانستن حقیقت و دسترسی به عدالت تأمین نشده است و ما نگران عدم انطباق تحقیقات داخل کشور با نهادهای و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر که دربرگیرنده الزاماتی چون سرعت عمل، استقلال و شفافیت در امر تحقیقات است، هستیم."

کمیته حقیقت یاب در گزارش اولیه خود ضمن ابراز نگرانی از تهدید خطر نسبت به دستگیر شدگان انقلاب و کسانی که در اعتراضات مردمی شرکت داشته‌اند از جمله وکلا، خبرنگاران و مدافعین حقوق بشر و خصوصاً زنان و دختران اعلام داشت که موارد نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات مردمی همچنان شنیده میشود و خواهان ارسال گزارشات بیشتری از مردم شد.

در گزارش کمیته حقیقت یاب گفته میشود که دولت ایران اعلام کرده است که ۲۲۰۰۰ نفر در ارتباط با اعتراضات مورد عفو قرار گرفته‌اند. همچنین براساس گزارشات، معترضان وادار به "ابراز ندامت" و اعتراف اجباری و اقرار به مجرمیت شده‌اند. همچنین از آنها تعهدنامه‌هایی مبنی بر اینکه در آینده مرتکب "جرایم مشابه" از جمله برپایی تجمع نخواهند شد، اخذ شده است که نقض آشکار حقوق بشر است.

بر اساس این گزارش تا به امروز هیچ گونه اطلاعات رسمی عمومی در مورد کسانی که در رابطه با اعتراضات دستگیر، بازداشت، متهم و یا محکوم شده‌اند وجود ندارد. اما گزارش‌هایی حاکی از دستگیری و بازداشت معترضان، از جمله زنان و دخترانی که از رعایت قانون حجاب اجباری کشور خودداری می‌کنند و نیز از آزار و اذیت خانواده‌های آنها همچنان دریافت میشود. ویویانا کرسچنچویچ، عضو کارشناس کمیته حقیقت یاب میگوید: "ما نگران بازداشت ادامه‌دار مدافعین حقوق بشر و وکلا و دست‌کم ۱۷ روزنامه‌نگار، از جمله، نیلوفر حامدی و الهه محمدی، که هر دو در رابطه با خبر مرگ ژینا مهسا امینی گزارش داده بودند، هستیم."

کمیته حقیقت یاب خبر میدهد که بر اساس گزارشات دریافت شده از آبان ماه

دست‌کم ۲۶ نفر در ارتباط با اعتراضات به اعدام محکوم و ده‌ها تن دیگر با اتهاماتی که می‌تواند منتهی به احکام اعدام شوند، مواجه شده‌اند. دست‌کم احکام اعدام ۷ مرد در پی دادرسی‌های شتاب‌زده و گزارش‌های جدی مبنی بر نقض جدی اصول دادرسی عادلانه، از جمله اتکاء بر اعتراف‌های اجباری تحت شکنجه، به اجرا درآمده است. همچنین مجازات‌های سنگین همچنان برای کسانی که در اعتراضات شرکت کرده‌اند، اعمال می‌شود. این مجازات‌ها پیرو روندهای قضائی فاقد شفافیت و بدون رعایت اصول اولیه ناظر بر دادرسی‌های عادلانه و ضمانت‌های مقتضی روندهای کیفری اعمال می‌شوند.

سارا حسین میگوید: "ما خصوصاً در مورد گزارش‌های ادامه‌دار در رابطه با آزار و اذیت اعضای خانواده معترضان که خواهان دادخواهی و عدالت برای عزیزان خود، از جمله کودکانشان که در این اعتراضات کشته شده‌اند هستیم، نگران هستیم"

در گزارش کمیته حقیقت یاب آمده است که دو ماه پس از آغاز اعتراضات، یک سلسله مسموم‌سازی سریالی در ده‌ها مدرسه در ۲۸ استان گزارش شده است. و این کمیته در مورد اینکه آیا این مسموم‌سازی‌ها به عنوان ابزاری جهت تشبیه یا جلوگیری از مشارکت این دختران در اعتراضات هماهنگ و برنامه‌ریزی شده‌اند در حال انجام تحقیقات است.

گزارش کمیته حقیقت یاب حاکی است که از زمان آغاز اعتراضات، دو لایحه پیشنویس جهت بررسی، از جمله به مجلس، ارائه شده است که در صورت تصویب این لوایح، مجازات زنان و دخترانی که قوانین حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند افزایش یابد و آن‌ها بیش از پیش در معرض خطرهای فزاینده خشونت، آزار و اذیت، و بازداشت‌های خودسرانه و تبعیض نهادینه شده قرار میگیرند. همچنین به گفته کمیته حقیقت یاب، گزارش‌ها حاکی از تعلیق از تحصیل زنان و دختران دانشجو یا محرومیت‌شان از دسترسی به خدمات خوابگاه به علت سرپیچی‌شان از قانون حجاب اجباری و همچنین جریمه یا بسته شدن کسب‌وکارها به علت اعمال نکردن این قانون هستند.

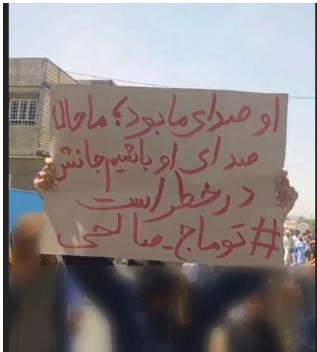
کمیته حقیقت یاب در رابطه با بکارگیری فناوری‌های تشخیص چهره جهت شناسایی هویت و دستگیری زنان و دخترانی که از این قوانین از بنیان تبعیض‌آمیز پیروی نمی‌کنند و همچنین شناسایی معترضان نیز ابراز نگرانی میکنند.

کمیته حقیقت یاب از ارسال ۷ نامه به مقامات ایران، از جمله، حاوی درخواست‌های مکرر برای بازدید از ایران به منظور گردآوری اطلاعات حیاتی برای تحقیقات خود خبر میدهد که تاکنون بی‌پاسخ مانده‌اند.

شاهین سردارعلی، کارشناس عضو کمیته حقیقت یاب میگوید: "مقامات جمهوری اسلامی ایران تعهد دارند حقوق تمام مردم کشور را تضمین کنند، کسانی که در ارتباط با اعتراضات مرتکب موارد نقض حقوق بشر شده‌اند را پاسخگو نگاه دارند و علل ریشه‌ای این موارد نقض را مورد رسیدگی قرار دهند."

سارا حسین عضو دیگر کمیته حقیقت یاب میگوید: "مردم ایران، از جمله زنان و دختران، حقوق بنیادین برابری، دانستن حقیقت، دسترسی بر عدالت و دادخواهی، پاسخگویی و جبران دارند و این حقوق باید تضمین و تأمین شود. ما از دولت جمهوری اسلامی ایران خواستاریم تا با ماموریت ما همکاری کامل نمایند و بدون مانع و امن مکان تهیه مدارک و شواهد در مورد تمام افرادی که در معرض نقض حقوق بشر قرار گرفته‌اند را تضمین کنند." کمیته حقیقت یاب گزارشی جامع از یافته‌های تحقیقاتش را طی گفتگویی تعاملی در پنجاه و پنجمین جلسه شورای حقوق بشر در فروردین ۱۴۰۳ به این شورا ارائه خواهد کرد.

همانطور که اشاره شد شورای حقوق بشر سازمان ملل در تاریخ ۳ آذر ۱۴۰۱، کمیته حقیقت یاب را جهت تحقیق و بررسی موارد گزارش شده نقض حقوق



تشکیل شده است. اما مردم دادخواه هستند و بر ادامه انقلاب پای میفشارند. بنا بر گزارشات منتشر شده دستگیریهای گسترده ای در زاهدان شروع شده است، بطور خاص از امروز ۱۵ تیر نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی با بهانه های مختلف از جمله نداشتن مدارک شناسنامه، نداشتن گواهینامه و همچنین نداشتن مدرک

سربازی اقدام به دستگیری پیر و جوان و سواره و پیاده میکنند. بر اساس همین گزارشات سیستان و بلوچستان بطور خاص زاهدان در یک محاصره اعلام نشده قرار دارد و در این شهر نزدیک به یک هفته است آب قطع شده و بطور مثال اطراف خیابان خیام ساعاتی طولانی آب قطع کامل است. همچنین برق حاشیه شهر مستمرا قطع و وصل میشود و برای مردم مشکلات معیشتی بسیاری ایجاد کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ تیر ۱۴۰۲، ۷ اوت ۲۰۲۳

بلکه در تمام این سالیان، زیر ضرب سرکوب بی‌امان، آزادی و آزادی خواهی همواره سربرآورده و حاکمیت آزادی ستیز را پس رانده است. بی‌گمان در وضعی که حاکمیت عرصه را چنان بر مردم و آزادی خواهان تنگ کرده که اخبار شوم خودکشی به اخباری روزانه بدل شده است، تنها با تکیه بر نیرویی جمعی می‌توان راه‌گشای بن‌بست و تنگناها بود. کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن سرکوب‌های اخیر، از تمام مردم آزادی خواه و نهادهای هم‌سو در سراسر جهان می‌خواهد که صدای معترضان، بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی باشند و راه را بر دست‌درازی حاکمیت بر جان و زندگی مردم ببندند.

کانون نویسندگان ایران، ۱۶ تیر ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

گزارش اولیه کمیته حقیقت یاب... از صفحه ۸

بشردراتباط با اعتراضات مردمی که در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ توسط جمهوری اسلامی را تاسیس کرد. ریاست شورای حقوق بشر سه کارشناس مستقل و بی‌طرف به اسامی سارا حسین (بنگلادش) در مقام ریاست کمیته حقیقت یاب، شاهین سردارعلی (پاکستان)، و ویوانا کرسیتسویچ (آرژانتین). را جهت هدایت اجرای فعالیت‌های این ماموریت منتصب کرد.

روشن است که گزارشات از نوع گزارشات کمیته حقیقت یاب صرفا یک اعلام موضع است و جنبه عملی ندارد. اما برای ما مردم که دادخواهیم و خواستار محاکمه سران این حکومت بخاطر همه جنایاتشان هستیم، مهم است. برای ما که تاکید داریم جمهوری اسلامی بخاطر تمامی جنایات هایش در سطح جهان بایکوت و از تمام مراجع بین المللی اخراج شود، مهم است. مهم است که همه ما هر سند و گزارشی در مورد جنایات حکومت اسلامی در زندان و در بیرون از زندان داریم را برای این کمیته بفرستیم. در عین حال اعلام کنیم که قتل مهسا امینی، قتل چند صد معترض از زنان و جوانان و کودکان، اعدام نوید افکاری، محسن شکاری، مجید رضا رهنورد و شمار دیگری از معترضان فاکت‌هایی هستند که نیاز به حقیقت یابی نیست. شلیک موشک به هوایم‌های اکرایی و کشتار ۱۷۶ سرنشین آن حقیقتی است که دنیا را تکان داد. صدای مردم ایران را بشنوید و این حکومت را در سطح جهان بایکوت کنید.

تظاهرات گسترده در زاهدان

حمایت مردم از توماج صالحی و عباس دریس

امروز ۱۶ تیر مردم در زاهدان برای چهلمین هفته وسیعا به خیابان آمدند و با شعارهای ضد حکومتی و علیه سرکوبگرهای حکومت تداوم انقلاب را فریاد زدند. در این تظاهرات مردم با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد صدای اعتراض خود را علیه زندان و سرکوب و اعدام بلند کردند. برهائی در حمایت از توماج صالحی خواننده محبوب و مردمی رب و عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش سال ۹۸ مردمی در ماهشهر در این تجمعات قابل توجه بودند. در این برها نوشته شده بود: "او صدای ما بود، ما حالا صدای او باشیم جانساز در خطر است"، "توماج صالحی، عباس دریس، زندانی سیاسی"، "مرگ بر خامنه ای".

در این اعتراضات مردم شعار میدادند: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر خامنه ای"، "توب تانک فشفشه آخوند باید گم بشه".

جمعه‌های اعتراض در زاهدان بدنبال جمعه خونین در این شهر در هشتم مهر ماه سال گذشته که به کشته شدن صد نفر منجر شد و در دادخواهی از این جنایت وحشیانه شکل گرفت. زیر فشار اعتراضات مردم مقامات حکومتی پیشتر بدون ذکر جزئیات اعلام کردند که هنوز رای قطعی دادگاه نیروهای نظامی متهم در این پرونده قطعی نشده و برای ۱۱ متهم که تیراندازی آنها باعث مرگ افراد شده پرونده‌ای جدید

بیانیهی کانون نویسندگان ایران دربارهی موج سرکوب‌های اخیر گور آزادی خواهان، گور آزادی خواهی نخواهد شد!

سرکوب‌های حاکمیت همچنان ادامه دارد. پس از قلع و قمع معترضان در خیابان، بازداشت‌های گسترده، شکنجه و ارباب، صدور و اجرای احکام اعدام و حکم‌فرما کردن آرامش گورستانی، حکومت، احضار و پرونده‌سازی، برگزاری دادگاه‌ها پشت درهای بسته و صدور احکام سنگین را سرعت بخشیده است. در هفته‌ی اخیر توماج صالحی، خواننده‌ی معترض، پس از ۸ ماه بازداشت با اتهام‌های سنگینی از جمله «افساد فی‌الارض» و «همکاری با دولت متخاصم» روبه‌رو شده است. مریم اکبری منفرد که بیش از ۱۳ سال است بدون یک روز مرخصی در زندان به سر می‌برد و اکنون ۱۸ ماه از حبس او باقی مانده است با پرونده‌سازی تازه‌ای روبه‌روست، سپیده قلیان نیز، که دوران حبس خود را سپری می‌کند، با پرونده‌سازی حاکمیت به دادگاه احضار شده است و هر روز اخبار تعقیب و آزار آزادی خواهان منتشر می‌شود.

سرکوب زنان نیز به شیوه‌های گوناگون ادامه داشته است. فضای عمومی، کاری و تحصیلی برای زنان معترض به پوشش اجباری ناامن شده است و حاکمیت که با فشار اقتصادی مضاعف، مردم را در تنگنای فقر و فلاکت گرفتار کرده است، می‌خواهد از گرسنگان و تنگدستان «آمران معروف» بسازد.

زنان از نخستین روزهای استقرار این حاکمیت پیشگام آزادی خواهی بوده‌اند و این بار نیز پا پس نکشیده‌اند. آنان با پایداری و پیگیری خستگی‌ناپذیر نشان داده‌اند که آزادی زنان معامله‌پذیر و به‌تعویق‌انداختنی نیست؛ آزادی زنان گره‌گاه خواست آزادی است و بی‌آن هر تعبیری از آزادی بی‌اعتبار می‌شود. این بار زنان همچون اسفند ۱۳۵۸ معترضان تک‌افتاده در آستانه‌ی سلطه‌ی حاکمیتی آزادی‌کش نیستند. اکنون پس پشت این آرامش گورستانی هم‌بستگی عمومی شکل گرفته است. مردم به اشکال مختلف همراهی خود را با زنان معترض نشان می‌دهند و این همبستگی همان نیرویی است که با قوام و دوامش عبور از هر صعوبتی ممکن می‌شود.

قریب یکسال از جنبش آزادی خواهانه‌ی مردم ایران می‌گذرد. جنبشی که خود ادامه‌ی چند دهه مبارزه و مقاومت جانانه بود و هست! هست، چون نه امروز و دیروز،



فرزانه ناظران پور معلم زندانی با قید پابند آزاد شد

فرزانه ناظران پور باید بدون قید و شرط آزاد شود

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، روز یکشنبه ۱۱ تیر معلم زندانی فرزانه ناظران پور، پس از گذراندن ۶۲ روز در بند زنان زندان اوین، برای تحمل ادامه حکم، به حبس خانگی منتقل شد. فرزانه ناظران پور ادامه حبس خود را با پابند خواهد گذراند، جابه‌جایی با پابند فقط در شعاع ۱۰۰ متر مجاز است و ایشان عملاً خروج از منزل را ندارد. آزادی با پابند ادامه سرکوبگری حکومت اما در موقعیت ضعیفتری است. فرزانه ناظران پور باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و پرونده او و همه زندانیان سیاسی باید مسدود گردد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی-۱۲ تیر

پلتفرم سندیکاهای کارگری سوئد اولویت فعالیت‌های خود را اعلام کرد: مبارزه با قوانین ارتجاعی در ایران

پلتفرم سندیکاهای کارگری سوئد در بیانیه‌ای اعلام کرد، مبارزه با قوانین ارتجاعی حجاب، ایجاد همبستگی بین‌المللی سندیکاهای کارگری و همکاری نزدیکتر با گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، اولویت‌های کاری این نهاد است.

این پلتفرم در بیانیه خود تاکید کرد: «رژیم جهت بازپس گرفتن کنترل و مهار کردن نیروهای فعال در خیزش زن زندگی آزادی، با طرح لایحه حجاب اجباری، حملات شیمیایی به مدارس دخترانه، تشدید اعدام‌ها و شکنجه و تجاوز به معترضان سعی می‌کند در جامعه بویژه نزد زنان ترس و وحشت ایجاد کند.»

در این بیانیه همچنین تاکید شده که رژیم اسلامی راه حل مقابله با مشکلات اقتصادی، فقر معیشتی، فساد و نبود امنیت اجتماعی را در تشدید سیاست سرکوبگرانه در مقابل مردمی که به این مشکلات معترضند می‌بیند و ترس خود از خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی را با تعرض به کنشگران اجتماعی از جمله معلمان می‌پوشاند. پلتفرم سندیکاهای کارگری سوئد لایحه حجاب را «پاشنه آشیل» جمهوری اسلامی ایران دانست و افزود: «خیزش انقلابی زن زندگی آزادی، بی‌شک درب زندانهای رژیم را در هم خواهد شکست اما شکستن درب‌های زندان، بستگی به اتحاد تمام نیروهای دموکراتیک و مرفقی و ایجاد تشکیلات سندیکاهای سراسری کارگران و معلمان دارد.»

این پلتفرم همچنین خواستار پایان دادن فوری به «اعدام‌ها، شکنجه زندانیان سیاسی، کارگری، معلمان و فعالان مدنی» آزادی فوری و بدون قید و شرط همه مبارزان دربند و اجرای کامل مقاله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار و مقاله نامه ۲۳ کنوانسیون جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد شد. برگرفته از مدیای اجتماعی

صدای توماج صالحی هستیم

هفته ای که در پیش است باید در انتظار صدور حکم برای توماج صالحی خواننده مردمی رپ باشیم که به اتهام افساد فی الارض و رابطه با دول متخاصم محکوم شده است،

اتهاماتی که در طی چندین دهه، سایه مرگ و طناب دار و احکام سنگین قضاوت حاکم بر ایران می‌شناسیم و زخم‌های عمیقی از آن خورده ایم.

توماج صالحی صدای اعتراض خانواده دادخواهان و همه ی بخشهای اعتراضی جامعه بوده است و اعتراض جرم نیست.

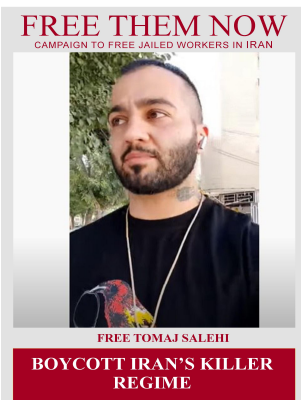
هنوز داغ عمیق جانباختگان #آبان_۹۸ و #نیزار_ماهشهر زنده است که حکم اعدام #عباس_دریس کارگر و پدر چند فرزند در شهر ماهشهر را تایید کرده اند. او کارگر اداره برق ماهشهر بوده و بعد از بیست سال کار اخراج شده و به دستفروشی روی آورده و در سال ۹۸ دستگیر شده است. و هر لحظه خطر مرگ جانش را تهدید می‌کند. اعدام حکم مرگ دولتی است و باید به زباله دان تاریخ انداخته شود.

ما دادخواهان که هر کدام به گونه ای عزیزانمان را در پی صدور احکام مرگ در زندانها و خیابانها از دست داده ایم دیگر نمی‌خواهیم شاهد تعرض دیگری بر تن و جان خود باشیم و از همه مردم و نهادهای حقوق انسان ها می‌خواهیم صدای توماج صالحی و عباس دریس باشید!

توماج صالحی و عباس دریس بدون قید و شرط و فوراً آزاد شوند!

#دادخواهان-تیر ماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

سخنان توماج صالحی در مورد حق اعتراض و ترسیدن بابت نقد و اعتراض



ابتدایی ترین حق شهروندی یک انسان، نقد کردن و اعتراض کردن است. اعتراض کردن حق جامعه است و باید به وضعیت نامناسب اعتراض کرد. کسی که دزدی و اختلاس کرده است باید بترسید،

کسی باید بترسد که مملکت را به این روز کشانده، که باعث افسردگی، خودکشی، اعتیاد، سرخوردگی و مهاجرت جوانان و مردم شده است.

کسی که به مردم شلیک کرده و دستور شلیک داده باید بترسد.

این کشور تعلق به مردم آن دارد و مردم صاحب آن هستند، حق دارند اعتراض کنند... ترسید، کار درست را انجام دهید و از هیچ چیزی هم ترسید. (برگرفته از مدیای اجتماعی)



۴- پنج درصد از درآمد برای جبران خسارت و حوادث ناشی از کار بر اساس قرارداد مان سازمان و محکومان شاغل اختصاص داده خواهد شد. (یعنی پنج درصد از دستمزدش هم اینجا کسر میشود)

۵- در صورتی که محکوم فاقد عائله تحت تکفل باشد مبلغ ۵۰٪ دستمزد ذکر شده در بند ۱ نیز به حساب خود وی واریز می‌شود.

بدین ترتیب هزاران نیروی کار زندانی در یک شرایط غیرمتعارف ناچار تن به بالاترین درجه استعمار میدهند و مقامات سازمان زندانها هم منت بر سرشان میگذارند که چنین فرصت هائی را برایشان فراهم کرده اند.

هر نیروی کاری در جامعه، چه زندانی یا آزاد، باید مشمول روابط تعریف شده ای از قانون کار و دارای دستمزد مشابه و قوانین بیمه ای و کلیه حق و حقوقی باشد که همه مزدبگیران جامعه را شامل میشود.

اسارت در زندان نباید بهانه ای برای تحمیل شرایط ویژه ای باشد که نیروی کار از سر ناچاری و استیصال به آن تن میدهد.

تحمیل کیفر (مستقل از اینکه حکم عادلانه بوده یا نه) موضوعی جدا از حق و حقوق نیروی کار است. صدای این فراموش شدگان باشیم.

شورای بازنشستگان ایران
برگرفته از مدیای اجتماعی

زندانیان شاغل، نیروی کار بسیار ارزان و خاموش!

سالهاست که حکومت با استناد به ماده ۱۳۰ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، به بهانه کمک به نیاز مالی خانواده زندانیان، هزاران نفر از آنان را در مراکز به نام "مرکز اشتغال و حرفه آموزی" با کمترین و نازل ترین دستمزد بکار میگیرد.

اشتغال زندانیان در بخش های مختلف تولیدی، خدماتی، کشاورزی، صنایع دستی (خوداشتغالی) هم درون زندان و هم اعزام به کار به مراکز عمومی و خصوصی خارج از زندان را در برمیگیرد.

بکارگیری هزاران زندانی نیازمند و مستاصل، خارج از روابط و قوانین کار بدون حمایت های قانونی و در یک شرایط غیر متعارف، انبوهی از انباشت سرمایه بادآورده و ثروت عظیمی از استعمار نیروی کار را نصیب کارفرمایانی میکند که به دایره قدرت نزدیکند.

کارگرانی که نه حق کوچکترین اعتراض و نه حق تشکل را دارند و از همین مزایای اندک قانونی هم بی بهره اند. یک شرایط خاص و یک بهشت سودآور برای کارفرمایان با نفوذی که چنین نیرویی را برای تولیدات خود به خدمت میگیرند.

گفته میشود که مزد روزانه محکومان بصورت کارمزدی بوسله مدیرکل استان تعیین می‌شود! اما مشخص نیست که مبنای پرداخت و میزان آن چقدر است. نحوه پرداخت همین "دستمزد" هم طبق قوانین خاصی ست یعنی:

۱- پنجاه درصد از درآمد به حساب سرپرست موقت عائله تحت تکفل محکوم واریز می‌شود.

۲- بیست و پنج درصد از درآمد به حساب محکوم واریز می‌شود که در موقع آزادی به او پرداخت شود. (به این معنی که اگر زندانی سالهای طولانی در زندان باشد این مبلغ نزد مقامات زندان نگهداری و بلوکه میشود. این رقم اگر در هزاران نفر و برای هر ماه و طی چند سال محاسبه شود، این حجم از ثروت مشخص خواهد شد)

۳- بیست درصد از درآمد به حساب خود محکوم برای مخارج ضروری پرداخت می‌شود. (مخارج ضروری یعنی خرید از فروشگاه زندان با قیمت های بالا!)

تورم، سرقت از جیب مردم است

چه چیزی میتواند این رابطه ظالمانه را در یک جامعه توجیه کند که عده ای بعنوان مسئول و متولی از بالای سر مردم و علیرغم میل و بدون دخالت آنان، با دستکاری و

افزایش مستمر قیمتها بنام تورم مستقیماً دست در جیب مردم ببرند؟؟!!

چگونه میتوان رابطه ای را تعریف کرد که براساس آن مزدبگیران برای ریال به ریال افزایش دستمزدشان، ماراتون نفسگیر چندماهه را همراه با اعتراض و تجمع و فریاد و فغان طی کنند، اما در طول سال هر روز سهل و آسان عده ای متولی خودخوانده، با تصمیماتی بدون مشارکت مردم، با قوانین پنهان با افزایش قیمت ها به معیشتشان دستبرد بزنند!! برآستی این چه مناسبات نابرابر و ظالمانه ای ست؟؟!!

شورای بازنشستگان ایران - برگرفته از مدیای اجتماعی

توماج صالحی صدای اعتراض همه ماست

محبوبه فرحزادی

بیش از .. روز است که #توماج_صالحی خواننده مردمی در سلول انفرادی زندان دستجرد اصفهان در بند است و به اتهام های واهی به افساد فی الارض محکوم شده است. اتهامی که خطر زندان و حتی مرگ را بر سر زندگی کسی قرار داده است که جز حقیقت چیزی بر زبان نیاورده است. و همانطور که خودش گفته رپ صدای اعتراض است و اعتراض ابتدایی ترین حق هر انسانی است و هیچ کس نباید به جرم اعتراض زندگی و جاننش در خطر باشد.. توماج صالحی تمام دردهای مردم را به صدای هنر اعتراضی بدل کرد. از معلم و کودک کار گرفته تا زنان و ازدواج کودکان و اعدام و دادخواهان را در موسیقی خود فریاد زد و صدای همه ما بوده است. زندگی و جان او در خطر صدور احکام سنگین و مرگبار قرار دارد. اکنون زمان آن است که ما معلمان، زنان، کارگران و همه مردم دست در دست هم از توماج صالحی خواننده محبوب مردمی دفاع کنیم و اجازه ندهیم بار دیگر بر پیکر جامعه تیغ کشیده شود

از همگان می‌خواهم با بکارگیری تمام توان خود در همه جا از مدارس تا کارخانه‌ها و از دانشگاه و محلات تا فضای مجازی و توییتر با برپایی کارزاری همه جانبه به دفاع از صدای مردم ایران برخیزیم

توماج را آزاد کنید، پاسخ اعتراض مرگ نیست.

(کانال کانون صنفی معلمان ایران، برگرفته از مدیای اجتماعی)

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست

کارگری بیونیدید!



حکم اعدام عباس دریس تأیید شد

عباس دریس باید فوراً آزاد شود

در ادامه صدور احکام سنگین برای معترضان و تشدید سرکوب گری های حکومت علیه انقلاب زن زندگی آزادی، دیوان عالی قضائی جمهوری اسلامی حکم اعدام عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ را تأیید کرد. این خبر توسط فرشته تابان وکیل وی رسانه ای شده است. پرونده او مربوط به کشتار نيزار ماهشهر توسط سرکوبگران جنایتکار جمهوری اسلامی در سال ۹۸ است. عباس دریس در آن سال به همراه برادرش محسن دریس دستگیر شد و با اتهاماتی واهی همچون "محاربه، اخلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو «۵ سال است که در زندان بسر میرود.

عباس دریس از طریق شکنجه‌های وحشیانه و حتی ربودن همسر و فرزندش برای اعترافات اجباری و پیش‌برد سناریوهای نخ‌نمای دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی تحت فشار گذاشته شد. او زیر این فشارها علیه خود اعترافات تلویزیونی در خصوص تیراندازی به نیروی انتظامی داشته که هرگز صحت نداشته است. این در حالی است که ماهشهر و شهرک‌های حاشیه‌ای آن از کانون‌های اصلی اعتراضات آبان ۹۸ بود و روایات تک‌اندیشه‌ای از شدت سرکوب مردم، به‌خصوص به رگبار بستن معترضان در نيزار، وجود دارد.

عباس دریس چهل سال دارد و پدر سه فرزند است. او مدت بیست سال کارگر اداره برق ماهشهر بود و بعد از اخراج از کار ناگزیر به کار دستفروشی شد. عباس دریس در سال‌های زندان نیز با ساخت صنایع دستی چرمی تلاش کرده است به تأمین معیشت فرزندانش کمک کند. همسر عباس دریس کفایه حزباوی، وقتی خبر حکم اعدام عباس را شنید دچار سکته‌ی مغزی شد و مدتی بعد متأسفانه درگذشت. اکنون جمهوری اسلامی برای عقب زدن انقلاب مردم بار دیگر پرونده وی را جلو آورده و حکم بر قتل وی را صادر کرده است. باید با اعتراضات وسیع مانع این جنایت شویم.

خانواده عباس دریس طی نامه ای تحت عنوان "دیوان عالی کشور حکم ظالمانه

اعدام عباس را تأیید کرده است" از همگان طلب کمک و پشتیبانی کرده است. به حمایت از عباس دریس بشتابیم. در نامه خانواده عباس دریس چنین آمده است: "ما خانواده دریس، از تمامی انسان‌های آزادیخواه و مجامع و نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی تقاضا داریم تا به هر وسیله تلاش کنند از اجرای این حکم جلوگیری شود." کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تمام قوا تلاش میکند صدای عباس درس و خانواده اش در سطح جامعه و در جهان باشد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه مردم میخواهد که با اعتراضی سراسری جلوی این جنایت را بگیرند. عباس دریس باید بدون قید و شرط آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچنین از اتحادیه های کارگری در سراسری جهان و همه نهادهای انساندوست میخواهد که صدور حکم اعدام برای عباس دریس را محکوم کنند و برای آزادی او از زندان به هر شکلی که میتواند به جمهوری اسلامی فشار بیاورند و مانع شوند.

آنچه بر سر عباس دریس و خانواده اش آمده و امروز صدور حکم اعدام برای او گوشه ای دیگر از جنایات رژیم اسلامی علیه مردم است. این حکومت باید در سطح جهان بایکوت و از سازمان جهانی کار اخراج شود. به این کارزار پیوندید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN)

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

۵ ژوئیه ۲۰۲۳ - ۱۴ تیر ۱۴۰۲

حکم اعدام عباس دریس را محکوم می کنیم

حکم اعدام عباس دریس، از بازداشت شدگان جنبش آبان ۹۸ را دیوان عالی کشور تأیید کرد.

این کارگر محبوس در زندان سپیدار اهواز از جمله افرادی است که شاهد به آتش کشیده شدن نيزارهای ماهشهر و کشتار مردم معترض در آن حادثه بوده است.

گفته می شود که علت اصلی اتهام محاربه به عباس دریس کشته شدن سروان صیادی از ماموران جمهوری اسلامی در جریان این واقعه است. بر اساس این روایت حکومت اسلامی می خواهد با مقصر جلوه دادن عباس دریس پرونده قتل عام نيزار ماهشهر را ببندد.

عباس دریس که نزدیک به چهار سال را در زندان سپری کرده است، اعتراف های خود را تکذیب می کند و مدعی است این اعتراف ها تحت شکنجه های جسمی و روحی از جمله گروگان گیری همسر و کودکش از سوی نیروهای امنیتی بوده است.

کفایه حزباوی، همسر این کارگر دستفروش، پس از شنیدن خبر حکم اعدام همسرش به سکته مغزی دچار شد و سپس درگذشت.

ما حکم اعدام عباس دریس را محکوم می کنیم و خواهان الغای هر گونه مجازات

اعدام هستیم. کانال تلگرام منشور آزادی، رفاه، برابری - ۱۴ تیر ۱۴۰۲

برگرفته از مדיای اجتماعی

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW
JUNE 20, THE GLOBAL DAY OF SUPPORT FOR POLITICAL PRISONERS IN IRAN

ARASH JOHARI REZA SHAMABI HASAN SAEDI HASRIN JAVADI MILAD RABEI ABBAS DERIS ABOLFAZL GHASALI
ASAD HEFTABI PEYMAN SALEHI NABED TAGHVI DAVIDOU RAZAVI KEYVANI MOHTADI MEHRAN RAJOUF BEHDIN GHOLYANI
FARHAD NAVAY FARSOOL BOOAGH JAFAR EBRANBARI ESMAIL ARDI MEHDI PATHI OMIID SHAMSHIRI ANDRUSH ADDELI
MAYMUN SHIRAZI MANDUKHAR SHIRAZI ROZBEN FARHANGI ZAHAB HAKIMI KAVI SHANROOZGAR PARSAR ANJAZADEAN HANESH ANJAZADE

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اساسی برخی از فعالین کارگری زندانی: حسن طرقي، آرش جوهری، رضا شهبانی، حسن سعیدی، نسرين جوادى، عباس دریس، اسد مفتاحی، پیمان سالم، ناهید تقوی، داوود رضوی، کیوان مهتدی، مهران رفوف، سید قلیان، ابوالفضل غسانی، فرهاد نوابی (کودک کار و دانش آموز ۱۴ ساله)، مسیون کولر، ژاک پاری (دو معلم فرانسوی)

اساسی برخی از معلمان زندانی: مجید حبیبی، رسول بدایعی، جعفر ابراهیمی، اسماعیل عیدی، مهدی فتحی، انوش عدائی، ناهید شیرپیشه، محمود صدیقی پور، علانرشنا اصغری، هاشم خواستار، زینب همرنگ، عزیز قاسم زاده، اصغر امیرزادگان، حسین زمشانپور، فاطمه کریمی، ناهید تنجلیان، مریم چال صبیحی، فرزانه ناظران پور

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO